



## اصول فقه ۴ (حلقه ثالث)

# درس ۳۱

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی  
آموزشیار: آقای حمید تقی زاده سی سخت

قاعده استصحاب به عنوان یک اصل عملی، گرچه اصلی شناخته شده و بسیار پرکاربرد بوده، اما در عین حال حاوی مناقشات و منازعات فراوانی از سوی بزرگان علم اصول در شرایط و ضوابط جریان این اصل مهم است. از جمله منازعاتی که در این فصل از اصول، به چشم می خورد؛ حول ارکان استصحاب است. از نظر شهید صدر (ره) در استصحاب باید چهار رکن وجود داشته باشد، که دومین رکن را شک در بقاء دانسته و دو قضیه را متفرع بر رکنیت این شک می کند که عبارتند از:

الف) عدم جریان استصحاب فرد مردد؛

ب) زمان متیقن گاهی متصل و سابق بر زمان مشکوک است و گاهی مردد بین زمان مشکوک و قبل از آن است. در این درس به توضیح و بررسی فرع اول، پرداخته و مناقشات و مباحثی که بر این فرع مترتب می شوند را بیان خواهیم نمود.

[و تتفرع على ركنية الشك في البقاء قضيتان:

الأولى: ان الاستصحاب لايجرى في الفرد المردد، و نقصد بالفرد المردد حالة القسم الثاني من استصحاب الكلى [ ...  
 و لكن قد يقال : ان الآثار الشرعية إذا كانت مترتبة على وجود الافراد بما هي افراد أمكن إجراء استصحاب الفرد المردد على  
 إجماله، بان نشير إلى واقع الشخص الذي دخل المسجد و نقول: انه على إجماله يشك في خروجه من المسجد فيستصحب.  
 و لكن الصحيح ان هذا الاستصحاب لا محصل له، لأننا حينما نلاحظ الافراد بعناوينها التفصيلية لانجد شكاً في البقاء على كل  
 تقدير، إذ لا يحتمل بقاء زيد بحسب الفرض.

## راه حلی برای جریان استصحاب فرد مردد

بحث ما درباره این بود که از دیدگاه شهید صدر(ره) یکی از ارکان قاعده استصحاب، شک در بقاء بوده و از آثار متفرع بر رکنیت این شک، عدم جریان استصحاب فرد مردد است.

مسئله این است که آیا در فرد مردد می‌توان استصحاب جاری نمود یا خیر؟ در مطالب پیش گفته بیان شد که شهید صدر (ره) معتقد به عدم جریان استصحاب در فرد مردد است. اما برخی قائل به جریان این نوع استصحاب هستند؛ به این بیان که اگر اثر شرعی مترتب بر فرد بما هی فرد باشد، ارکان استصحاب، تمام است و مشکلی در جریان استصحاب فرد مردد وجود ندارد؛ چراکه علم به حدوث و شک در بقای فرد داریم و اثر شرعی هم طبق فرض، بر فرد مترتب است.

### توضیح بیشتر در ضمن یک مثال

فرض می‌کنیم که اثر شرعی مترتب بر خصوص افراد بما هی افراد باشد نه بر مصادیق کلی؛ برای مثال، نذر می‌کنیم اگر خصوص زید یا خالد در مسجد بود دو درهم صدقه بدهیم.

زید بما هو زید یا خالد بما هو خالد، موضوع اثر شرعی است. می‌دانیم فردی که زید یا خالد است، داخل مسجد شده بود در حال حاضر شک می‌کنیم که هنوز این فرد داخل مسجد است. با کمی تأمل روشن است که به طور قطع، زید الان در مسجد نیست اما احتمال دارد خالد، هم چنان در مسجد باشد.

وقتی که اثر شرعی مترتب بر خصوص زید یا خالد است، آیا می‌شود از طریق استصحاب موضوع این اثر شرعی را ا حراز نمود یا نه؟ در اینجا چهار استصحاب قابل بررسی است:

۱. استصحاب خصوص زید جاری نیست؛ زیرا یقین داریم که در حال حاضر بیرون از مسجد است.  
 ۲. استصحاب خالد هم جاری نیست؛ زیرا هرچند احتمال وجود او در مسجد هست اما یقین به حدوث او در مسجد نداریم. به بیان دیگر به حسب فرض، این احتمال وجود دارد که زید یا خالد وارد مسجد شده‌اند، اما یقین به حدوث و ورود هیچ‌کدام نداریم.

۳. استصحاب کلی انسان جاری کنیم و کاری به مصداق نداشته باشیم. در این مورد، از ناحیه رکن اول، یعنی یقین به حدوث و رکن دوم، یعنی شک در بقاء، مشکلی وجود ندارد؛ زیرا یقین به حدوث انسان و شک در بقای او امری وجدانی است. در حالی که استصحاب رکن چهارمی هم دارد که ترتب اثر شرعی است و فرض ما این بود که اثر شرعی بر کلی انسان مترتب نیست، بلکه بر خصوص زید یا خالد مترتب است. بنابراین استصحاب کلی انسان در فرض ما به دلیل فقدان اثر شرعی جاری نیست.

۴. استصحاب آخر استصحاب فرد مردد است؛ یعنی وجود فردی را که در واقع به مسجد رفته بود استصحاب کنیم. فردی که در عالم واقع مشخص است، اما در دید ما مردد است، برای مثال، در واقع زید وارد مسجد شده است، اما ما مرددیم که زید بود یا خالد. برخی در اینجا معتقدند که می‌توان استصحاب نمود؛ زیرا ارکان استصحاب، تمام است؛ هم یقین به حدوث داریم هم شک در بقاء و هم این که اثر شرعی طبق فرض، وجود دارد.

[و تتفرع علی رکنیة الشک فی البقاء قضیتان:

الأولی: ان الاستصحاب لایجرى فی الفرد المردد، و نقصد بالفرد المردد حالة القسم الثانی من استصحاب الکلی ... ]  
و لکن قد یقال: ان الآثار الشرعیة إذا كانت مترتبة علی وجود الافراد بما هی افراد (۱) أمکن إجراء استصحاب الفرد المردد علی إجماله، بان نشیر إلی واقع الشخص الذى دخل المسجد و نقول: انه علی إجماله (۲) یشک فی خروجه من المسجد فیستصحب (۳).

۱. یعنی: زید بما هو زید نه انسان کلی.

۲. مرجع ضمیر: فرد

۳. مرجع ضمیر: واقع الشخص

Sc01:10:46

عدم جریان استصحاب فرد مردد

بیان شد که برخی قائل شده اند که در فرد مردد اگر اثر شرعی بر افراد بما هی افراد مترتب شود، می توان استصحاب را جاری دانست. اما شهید صدر (ره) این قول را نمی پذیرند. به این بیان که چون رکنیت شک در بقا از ظهور لسان ادله استصحاب، اخذ شده است، پس باید در موارد جریان استصحاب، شک در بقاء مستصحب، احراز شود؛ یعنی باید محرز باشد که مستصحب مشکوک البقاء است و احتمال بقاء مستصحب، باشد. اما اگر علم به عدم بقا بود یا حتی احققال علم به بقای مستصحب بود باز هم استصحاب را نمی توان جاری دانست؛ زیرا استصحاب، محتاج به شک در بقا است. از طرفی فردی که در واقع، داخل مسجد شده است، به دو لحاظ می شود دید، یا او را تحت عناوین تفصیلی دید یا به عنوان اجمالی لحاظ کرد.

به عنوان مثال، وقتی که روز بود یقین داشتیم نوری در اتاق وجود دارد، اما نمی دانستیم این نور خورشید بود یا نور لامپ. این نور را به دو شکل می شود لحاظ کرد:

(الف) تحت عناوین تفصیلی؛ یعنی نور خورشید یا لامپ.

(ب) تحت عنوان اجمالی؛ یعنی نور مطلق.

شهید صدر (ره) معتقدند که در اینجا رکن دوم استصحاب یعنی شک در بقا محرز نیست. زیرا فردی که داخل در مسجد شده است، اگر به این عنوان که یا زید است یا خالد لحاظ شود، نمی توان گفت که مشکوک البقاء است؛ زیرا ممکن است فردی که داخل مسجد شده، زید باشد که شک در بقای او نداریم و حتی یقین به عدم بقای او داریم. پس در فرد مردد، نمی توانیم به شکل قطعی ادعا کنیم که شک در بقای او داریم؛ زیرا اگر زید باشد و تحت عنوان تفصیلی قرار بگیرد قطعی الانتفاء است و اگر خالد باشد و تحت عنوان تفصیلی به او نظر شود، احتمال بقاء او وجود دارد.

بنا بر این، تحت عنوان تفصیلی نمی توان فرد را مورد اشاره قرار داده و بگوییم چه زید باشد چه خالد، داخل در مسجد است؛ زیرا اعتراض می شود که زید بیرون است و این چگونه احتمالی است؟

در مثال نور اگر نور بخواهد تحت عناوین تفصیلی باشد نمی توانیم شک در بقا داشته باشیم؛ زیرا اگر نور خورشید بود قطع به انتقاء آن نور در شب داریم و اگر نور لامپ باشد شک در بقاء آن در شب داریم، پس نمی توان گفت این نور چه نور خورشید باشد چه نور لامپ، احتمال دارد باقی باشد.

### نتیجه

از آنجایی که بنا بر یک تقدیر، مستصحب معلوم الانتفاء است، لذا استصحاب فرد واقعی که ملحوظ به عناوین تفصیلی شده است به دلیل عدم احراز شک در بقاء، جریان نخواهد داشت. بنابراین، رکن دوم استصحاب فرد مردد، محرز نبوده و نمی توان، استصحاب جاری کرد.

### نکته

از مباحث گذشته، ثمره این نزاع روشن می شود که آیا شک در بقا به دلیل اخذ در لسان ادله استصحاب رکن شده است علی بصرهانی که ذیل عنوان شک در بقاء<sup>۱</sup> به آن اشاره شد به این بیان که در حکم ظاهری ضرورتاً باید شکی وجود داشته باشد و این شک هم باید در بقاء باشد تا استصحاب، منفک از قاعده یقین باشد؟ زیرا طبق قول اول، استصحاب فرد مردد، جاری نیست اما اگر قائل به رکنیت شک در بقاء به وسیله برهان شدیم، استصحاب فرد مردد جاری خواهد بود.

### متن عربی و نکات تطبیقی

و لكن الصحيح ان هذا الاستصحاب لا محصل له، لأننا حينما نلاحظ الافراد بعناوينها التفصيلية لا نجد شكاً في البقاء (۱) علی کل تقدیر، إذ لا یحتمل بقاء زید بحسب الفرض.  
۱. یعنی: شک در بقا محرز نیست.

Sco:۲۵:۲۵

<sup>۱</sup> دروس فی علم الأصول، ج ۴، صفحه ۱۶۶

۱. برخی از اصولیون، قائل به جریان استصحاب فرد مردد هستند؛ به این بیان که اگر اثر شرعی مترتب بر فرد بما هی فرد باشد، در اینجا ارکان استصحاب، تمام است و مشکلی در جریان استصحاب فرد مردد، وجود ندارد.
۲. بر فرض این که اثر شرعی مترتب بر استصحاب بقای زید یا خالد در مسجد باشد، چهار استصحاب قابل تصور است: استصحاب زید، استصحاب خالد، استصحاب کلی انسان و استصحاب فرد مردد. در هیچ کدام از این چهار شکل، استصحاب جریان ندارد.
۳. طبق فرض بالا استصحاب زید جاری نیست زیرا یقین به عدم بقاء داریم. در مورد خالد نیز یقین به حدوث او نداریم. در استصحاب کلی انسان نیز اثر شرعی مترتب نیست.
۴. از نظر شهید صدر (ره) در استصحاب فرد مردد، شک به بقاء محرز نیست. بنابراین استصحاب نمی تواند جاری بشود.
۵. فرد مردد را می توان به دو لحاظ دید؛ یا تحت عناوین تفصیلی یا تحت عنوان اجمالی.
۶. ثمره نزاع در منشأ رکنیت شک در بقاء، این است که اگر منشأ این رکنیت، ادله استصحاب باشند، استصحاب فرد مردد، جریان ندارد، اما اگر منشأ برهان باشد استصحاب فرد مردد جاری است.